

■ کتابفروشی وانتشارات اسلامیة

قدیمی ترین مرکز نشر و توزیع کتب شیعی در تهران



اگر بخواهیم به محور فعالیت های ناشران قدیمی از نظر موضوعی نگاه کنیم، کتابفروشی اسلامیة از مراکز قدیمی توزیع و نشر کتب شیعی در تهران است که در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی تأسیس شد. بحارالانوار، وسائل الشیعة، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، الاصول من الکافی و حقوق مدنی از جمله ۷۰۰ عنوان کتاب انتشار یافته در این مرکز است. سید محمدعلی کتابچی مؤسس این مرکز بوده است. خانواده کتابچی شغل کتابفروشی داشتند و کتابفروشی اسلامیة را برای توزیع کتب شیعی تأسیس کردند؛ اما محمدعلی کتابچی در کنار فروش کتاب، به دلیل علاقه به نشر کتاب های مذهبی، چاپخانه اسلامیة را در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی تأسیس کرد. بعدها فرزندان او سید احمد و سیدجلال اداره این مجموعه را به عهده گرفتند. اگر بخواهیم نگاهی به تاریخچه این کتابفروشی و مرکز نشر بیندازیم، کتابفروشی اسلامیة در تیمچه حاجابالدوله بازار تهران راه اندازی شد. اما بعد از اینکه کتابفروشی های تیمچه حاجابالدوله آنجا را ترک کردند، سیدمحمدعلی کتابچی کتابفروشی را در مکان وزارت دارایی سابق در ناصرخسرو، راه انداخت. اما وقتی مسئولان حکومتی وقت می خواستند آنجا وزارت دارایی را تأسیس کنند، او کتابفروشی را به باب همایون منتقل کرد. بعد از مدتی، سیداحمد کتابچی فرزند سید محمدعلی، کتابفروشی فعلی را در خیابان پانزده خرداد خریداری کرد و کتابفروشی اسلامیة

دهه ۱۳۷۰ نشر کارنامه را راه اندازی کرد که حاصل آن برخی از شاخص ترین کتاب های تاریخ نشر به شمار می رود. او بنیانگذار مراکز پخش کتاب «گلپخش» و «باتک کتاب» در سال های میانه دهه ۱۳۶۰ بود که پدر معنوی والگوی پخش های مدرن کنونی ایران به حساب می آمد. او در سال ۱۳۹۲ درگذشت.

■ همایون صنعتی زاده و مؤسسه انتشارات فرانکلین

پیشرو در ویرایش و تولید فنی کتاب



برخی مراکز انتشاراتی قدیمی در ایران به نمایندگی از ناشران معتبر بین المللی در ایران پایه گذاری و شروع به فعالیت کردند که در ادامه نقش مهمی در صنعت نشر ایران داشتند. از جمله این مراکز نشر، انتشارات فرانکلین در ایران است. پیشینه این انتشاراتی با یک مرکز بین المللی نشر در امریکا گره خورده است. ناشی به نام مؤسسه انتشارات فرانکلین که از مؤسسات بزرگ انتشارات کتاب است که در سال ۱۹۵۲ به منظور گسترش زمینه چاپ و انتشار کتاب در نیویورک امریکا پایه گذاری شد. در نوامبر سال ۱۹۵۳ هم نمایندگی مؤسسه انتشارات فرانکلین در تهران آغاز به کار کرد. پایه گذار و مدیرعامل این مؤسسه همایون صنعتی زاده بود. مؤسسه فرانکلین در ایران، در عرض چند سال به تشکیلاتی با تأثیری دیرپا بر صنعت نشر ایران تبدیل شد. کار فرانکلین با آماده سازی کتاب ها برای انتشار آغاز شد و برای اولین بار عمل ویرایش و تولید فنی کتاب (صفحه آرای، نمایه سازی، طراحی جلد و غیره) به شکل نوین در آن انجام گرفت. بخش دیگر خدمات مؤسسه، ویرایش و «کتاب های غیر درسی» بود که

تبلیغات اسلامی مدیریت مؤسسه انتشارات امیرکبیر را به عهده گرفت. تا پیش از این واگذار، انتشارات بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب چاپ کرده بود که در کنار کتاب های مؤسسه های که امتیاز آنها را خریداری کرده بود این عدد به ۲۸۰۰ هم می رسید. از جمله فعالیت های این مؤسسه می توان به انتشار فرهنگ فارسی ۶ جلدی معین، دایرة المعارف مصاحب و فرهنگ انگلیسی و فارسی آریا پور اشاره کرد.

■ خانواده «علمی» ها

یک خانواده بزرگ در صنعت نشر ایران

شجره نامه پر شاخ و برگ خانواده علمی ها نشان می دهد برخی از اعضای این خانواده از ناشران قدیمی و ریشه دار در تهران و ایران هستند که از دوره قاجار تا امروز به عنوان ناشر و کتابفروش فعالیت دارند. خانواده علمی یکی از خانواده هایی است که نسل در نسل در حوزه کتاب فعالیت می کنند. می گویند در دوره قاجار، تیمچه حاجبالدوله و بازار حبلی سازها، مرکز کتابفروشی و نشر کشور به شمار می رفت. مرکزی که با روی کار آمدن رضاخان پهلوی و احداث خیابان های جدید، به خیابان ناصرخسرو منتقل شد. به همین دلیل وقتی حاج محمداسماعیل علمی، پسر میرزا علی اکبر تصمیم گرفت کار پدرش را ادامه دهد و به همراه پسرانش شرکت تضامنی علمی را در زمان رضاخان تأسیس کند، به خیابان ناصر خسرو رفت تا جنب ساختمان وزارت دارایی، کتابفروشی اش را دایر کند. او به همراه محمدعلی ترقی، صاحب و مؤسس انتشارات خیام، بارها به هند سفر کرد تا از آنجا کتاب های فارسی چاپ هند را به تهران بیاورند.



■ پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۹
 ■ سال بیست و ششم
 ■ شماره ۷۴۹۵

گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه در مدرسه سلطانی، برای ادامه تحصیل به مدرسه سیاسی رفت و از محضر استادانی همچون ذکاء الملک، اقبال، میرزا طاهر، فروزانفر، پروارود و فاضل تونی بهره مند شد. رضانی در سال ۱۳۰۲ انتشارات شرق را راه اندازی کرد که هفت سال بعد نام آن را کلاله خاور گذاشت. کتابفروشی «کلاله خاور» نخست در ابتدای لاله زار قرار داشت و بعد به خیابان شاه آباد نزدیک کوچه سیدشام و بعدها به خیابان اکباتان منتقل شد. او هم از پیشگامان نسل اول ناشران ایران بود. او «نخستین نشریه ادواری خاص و مستقل در زمینه کتاب» را به نام فصلنامه کتاب در فروردین ۱۳۱۱ منتشر کرد. همچنین بعدها جزوه های هفته گی «افسانه» را منتشر کرد که در آنها ادبیات جهان و برخی از آثار فارسی معرفی می شد.

■ انتشارات علمی و فرهنگی

تولد ناشر تازه از ادغام دو ناشر صاحب نام



مؤسسه انتشارات علمی و فرهنگی یکی از قدیمی ترین و با سابقه ترین مؤسسات نشر فعال در ایران است که در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ادغام دو مؤسسه دو ناشر صاحب نام «مؤسسه انتشارات عنوانین» بنگاه ترجمه و نشر کتاب» و «مؤسسه انتشارات فرانکلین» در سال ۱۳۶۰ تشکیل شد. دو مؤسسه فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر در سال های فعالیت خود پیش از انقلاب اسلامی از سرآمدان تحول در نشر ایران به شمار می رفتند و منجر به تغییرات قابل توجهی در پروسه تولید کتاب، ویراستاری و ترجمه در ایران شدند

خاطره بازی بانام های آشنایی که برای شکوفایی صنعت نشر ایران کوشیده اند

یاد آرید از ما با کتاب هایی که برای شما به یادگار گذاشته ایم

صنعت عظیم نشر ایران امروز روزی شانیه های افرادی بسیار ایستاده است که هر کدام از آنها در زمانه خود از سرآمدان روزگار خود بوده اند. چه آنها که دستی بر قلم داشتند و چه آنها یی که در ابتدا مغازه ای کوچک برای کتابفروشی داشتند و بعدها تولید کتاب را هم به فعالیت های خود در حوزه کتاب اضافه کردند و شدند ناشر و کتابفروش. افرادی هم بودند که از همان ابتدا فعالیت در صنعت نشر ایران را به طور حرفه ای شروع کردند و با پشتکار و خلاقیت خود، نام ماندگاری از خود در این صنعت به جا گذاشتند. در این میان، کسانی هم بودند که برای بالندگی این صنعت فرهنگی در ایران کوشیدند و مسائل فنی و جانبی نشر از جمله ویراستاری و صفحه آری و طراحی جلد کتاب در بازار نشر ایران را به مرز استانداردهای لازم رساندند. همچنین باید از کتابداران نام آشنا گفت که کتابداری نوین را وارد حوزه کتاب ایران کردند و نام نیکی از خود در این حوزه باقی گذاشتند. در این روزهای هفته کتاب، یادآوری نام و خاطره این افراد نام آشنا در حوزه کتاب و کتابخوانی خالی از لطف نیست.

سیس به تشکیلاتی گسترده تبدیل شد. در سال های بعد، این مؤسسه به چاپ کتاب های درسی کشور پرداخت. فرانکلین از محل عواید چاپ این کتاب ها، چاپخانه ای مجهز به نام «شرکت افست» تأسیس کرد و بخشی از سهام آن را بین ناشران توزیع کرد. «سازمان کتاب های جیبی» از جمله مؤسسات دیگری بود که در سال ۱۳۳۹ در کنار دیگر فعالیت های مؤسسه فرانکلین آغاز به کار کرد. این سازمان در سال ۱۳۴۸ به عنوان یک شرکت سهامی انتفاعی به ثبت رسید. اما در سال ۱۳۳۵ سازمان کتاب های جیبی از این مؤسسه جدا شد.

■ انتشارات امیرکبیر

نام ماندگار در صنعت نشر ایران



بدون شک یکی از نام های ماندگار در صنعت نشر ایران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر است که از آن به عنوان یکی از بزرگ ترین و معتبرترین مؤسسات های انتشاراتی ایران نام می برند. عبدالرحیم جعفری (متولد سال ۱۲۹۸ - وفات سال ۱۳۹۴) در سال ۱۳۲۸ آن را تأسیس کرد و بعدها بزرگترین واحد انتشارات خصوصی در ایران لقب گرفت. این انتشارات کار خود را در ۱۲ آبان سال ۱۳۲۸ با خرید سرقفلی اولین فروشگاه خود در خیابان ناصرخسرو تهران آغاز کرد. اولین اثر منتشر شده جزوای با نام «نماز» بود که با نظر حاج میرزا خلیل کمراهی تهیه شده بود. در دهه پنجاه، بر اساس حجم تولیدات که بالغ بر ۲۸۰ عنوان بود، امیر کبیر به بزرگترین بنگاه انتشاراتی خاورمیانه تبدیل شد. به علاوه، کیفیت و تنوع تولیدات این انتشاراتی هم اعتبار و منزلتی خاص برای آن تدارک دیده بود. گرد آوردن مترجمان و نویسندگان و پژوهشگران شاخص از یک سو و در شگر سو شکل دهی و تعریف ساختاری علمی برای کار دیگر معنطومه ای از ویراستاران حرفه ای، تا چاپخانه و کتابفروشی و توزیع و بقیه مراحل نشر در آن انجام بگیرد، با این افراد در انتشارات نیل بود. او همچنین مجوز نشر کارنامه را به نام همسرش دریافت کرد و توانست از اوایل دهه هفتاد، ایده هایش در عرصه نشر را در قالب انتشارات کارنامه عملی کند. محمد زهرایی از سال های ابتدایی

فعالیت هایش را شروع کرد. البته در ابتدا عنوان این کتابفروشی، کتابفروشی علمی اسلامیة بود، بعدها عنوان «اسلامیه» انتخاب و ماندگار شد. سال ۱۳۰۰ هم در کنار کتابفروشی، انتشارات اسلامیة راه اندازی شد. کتاب ها، اوایل از بمبئی و پاکستان وارد می شد، اما بعدها با ظهور چاپ سنگی، قرآن و ادعیه در چاپخانه اسلامیة و در ایران منتشر شد. قبل از اسلامیة کتابفروشی های دیگری هم بودند اما به مرور تعطیل شدند و این کتابفروشی، قدیمی ترین کتابفروشی است که از آن زمان تاکنون به فعالیت خودش ادامه داده است.

■ محمد زهرایی

ناشر خلاق و پیر معنوی والگوی پخش های مدرن کنونی ایران



در صنعت نشر ایران چهره های نامی بسیاری بوده اند که با خلاقیت های فردی خود، افق های تازه ای به روی این صنعت فرهنگی در کشورمان گشوده اند. یکی از این افراد، محمد زهرایی، ناشر و ویراستار ایرانی بود. او مدیر انتشارات نیل و نشر کارنامه و از ناشران خلاق و صاحب سبک بود. زهرایی، در سال ۱۳۲۸ در قاروج خراسان شمالی به دنیا آمد. او کار نشر و کتاب را از جزئی ترین امور چاپ و نشر شروع کرد. ابتدا کتابفروشی کوچکی در خیابان سعدی مشهد راه اندازی کرد که با توفق اهل کتاب و روشنفکران آن دوره، از جمله علی شریعتی بود. او دستگیر و به زندان افتاد و پس از آن به تهران آمد. محمد زهرایی کار نشر را با انتشارات کوئتیرگ شروع کرد و سپس به انتشارات فرانکلین زیر نظر همایون صنعتی زاده بازگشت و در سال های میانی دهه ۱۳۵۰ با همکاری دو دانشا دیگر، انتشارات نیل را بازگشایی کرد و در شکل دهی و موفقیت انتشارات نیل نقش به سزایی داشت. برخی از زمان های شاخص جهان، از جمله دون کیشتو، با ترجمه محمد قاضی، با آثار نویسندگانی چون م.ا. به آذین، احمد شاملو و دیگران، حاصل همکاری زهرایی با این افراد در انتشارات نیل بود. او همچنین مجوز نشر کارنامه را به نام همسرش دریافت کرد و توانست از اوایل دهه هفتاد، ایده هایش در عرصه نشر را در قالب انتشارات کارنامه عملی کند. محمد زهرایی از سال های ابتدایی

■ پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۹
 ■ سال بیست و ششم
 ■ شماره ۷۴۹۵

مدرن در آن تجربه و ارزیابی می شدند. توران میرهادی به همراه لیلی ایمن اهی و معصومه سهراب و همکاری گروهی از کارشناسان تعلیم و تربیت در سال ۱۳۴۱ شورای کتاب کودک را بنیان گذاشت. او همچنین از سال ۱۳۵۸ سرپرستی تدوین و تألیف فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را برعهده داشته است. ایده فرهنگنامه کودکان و نوجوانان به دومین همایش ملی ادبیات کودکان که در سال ۱۳۴۶ در باشگاه معلمان برگزار شد بازمی گردد. توران میرهادی دلیل گرایش خود به ادبیات کودکان را علاقه ای می دانست که در کودکی و در خانواده پیدا کرد. دو کتاب به زبان آلمانی به نام فیدل استارماتس و مایا دختر گریزان از کندو داستان هایی هستند که برای یک عمر روی او تأثیر گذاشتند. داستان اول که سرگذشت پسری در جنگ جهانی اول است در او روحیه صلح جویی و ضد جنگ و داستان دوم انگیزه های کار برای جامعه را پدیدآورد. میرهادی را «مادر ادبیات کودک و نوجوان در ایران» خوانده اند. توران میرهادی در پی سگته مغزی در شهریور ۱۳۹۵ در بیمارستان بستری شد و در آبان ماه همین سال درگذشت.

■ مهدی آذریندی

پدر ادبیات کودک و نوجوان ایران



تقریباً اکثر اهالی کتاب و کتابخوانی ها در ایران با یک نام خاطره ها دارند، نامی که «قصه های خوب برای بچه های خوب» گره خورده است. مهدی آذریندی، نویسنده کودک و نوجوان اهل محله خورشاه یزد بود. او هرگز ازدواج نکرد و هیچ گاه به کار دولتی مشغول نشد. در واقع، تنها لذت زندگی اش، کتاب خواندن بود. او اولین نویسنده ای است که در ایران به فکر نوشتن داستان برای کودکان و نوجوانان افتاد. به همین دلیل است که عنوان «پدر ادبیات کودک و نوجوان ایران» را به او داده اند. همچنین به خاطر آثار ارزشمند او در حوزه کتاب کودک، روز درگذشت او به نام روز ملی ادبیات کودک و نوجوان نامگذاری شده است. معروف ترین اثر او مجموعه «قصه های خوب برای بچه های خوب» نام دارد. او جایزه یونسکو و نیز جایزه سلطنتی کتاب سال را پیش از انقلاب ۱۳۵۷ دریافت کرده بود و سه کتاب او توسط شورای کتاب کودک به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شد. آذریندی سرگذشت پرفراز و نشیبی دارد. او در خانواده ای تازه مسلمان با جدای زرتشتی زاده شد. از هشت سالگی همراه پدرش در زمین ربعتی کار کرد. در بیست سالگی از کار بنایی به کار در کارگاه جوراب بافی یزد کشیده شد. پس از آنکه صاحب کارگاه جوراب بافی تصمیم به تأسیس دومین کتابفروشی شهر یزد گرفت، او را از میان شاگردان کارگاه به کتابفروشی منتقل کرد. کار در کتابفروشی زمینه آشنایی او با اهالی شعر و ادب را فراهم کرد و پس از مدتی به تهران نقل مکان کرد و با معرفی همشهری خود حسین مکی در چاپخانه حاج محمد علی علمی واقع در خیابان ناصرخسرو مشغول به کار شد. در سال ۱۳۳۵ و در سن ۳۵ سالگی، پس از آنکه قصه ای از انوار سبیلی در چاپخانه نوحه اش را به خود جلب کرد به فکر سادهدو سویی قصه آن طور که مناسب کودکان باشد افتاد. این ایده، زمینه ساز خلق جلد اول کتاب قصه های خوب برای بچه های خوب شد. مهدی آذری بزدی در سال ۱۳۸۸ و در سن ۸۷ سالگی در گذشت.

■ دکتر عباس خُری

دانشمند کتابداری نوین در ایران



دکتر عباس خُری، دانشمند علوم کتابداری و اطلاع رسانی و استاد دانشگاه تهران و طرح نظریه اطلاع شناسی بود. او در مشهد امامی، محمد قاضی، سعید نفیسی، سیروس پرهام و... در خانواده ای آشنایان داشت. او از نسل شیخ حر عاملی، دانشمند لبنانی قرن یازدهم هجری و مدفون در مشهد صاحب وسائل الشیعه است. در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه مشهد در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی، در سال ۱۳۵۲ از دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد رشته کتابداری و در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) از دانشگاه کیس وسترن رزرو امریکا در مقطع دکترای کتابداری فارغ التحصیل شد. رساله دکتر وی در مورد مقایسه شباهت های استنادی و شباهت واژگان نمایه برای ربط دادن مدارک مرتبط از جمله بحث موضوعی بود. وی از ۱۳۵۳ استاد دانشگاه تهران شد. خُری از اولین دانش آموختگان کتابداری نوین در ایران بود و در پیشبرد آموزش و پژوهش در این رشته در کشور تلاش زیاد کرد. وی به عنوان سردبیر، مدیرمسئول و عضو هیات تحریریه چندین مجله علمی از جمله اطلاع شناسی فعالیت کرده است و نیز طرح نظریه اطلاع شناسی است. وی مدتی در دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تدریس کرد. همکاران او برنامهریزی و طرح علمی دانشنامه جهان اسلام از جمله فعالیت های شاخص او بود؛ هنگامی که در سال ۱۳۶۲، بنیاد دایرة المعارف اسلامی با پیشنهاد و کوشش مهدی محقق پایه ریزی شد، حری و عبدالحسین آذرنگ دوباروی توانای او بودند که نه تنها در برنامه ریزی و طرح علمی دانشنامه جهان اسلام فعال بودند، بلکه در کارهای اجرایی و اداری آغازین آن بنیاد نیز نقش چشمگیری داشتند. حری بیش از ۱۷۰ مقاله نیز برای این دانشنامه ترجمه کرده است. دکتر عباس حَری روز شنبه هفتم اردیبهشت ۱۳۹۲ در سن ۷۷ سالگی در گذشت.

■ توران میرهادی

مادر ادبیات کودک و نوجوان در ایران



سیده توران میرهادی (خُمارلو) نامی آشنا در حوزه ادبیات کودک و نوجوان و از بنیانگذاران شورای کتاب کودک و بنیانگذار فرهنگنامه کودکان و نوجوانان بود. البته میرهادی سمت استادی ادبیات کودک، نویسنده و کارشناس آموزش و پرورش و پایه گذار مجتمع آموزشی تجربی فرهاد را هم در کارنامه فعالیت های خود دارد. بیش از شصت سال در گستره آموزش و پرورش و فرهنگ و ادبیات کودکان کوشید و در این راه یکی از چهره های تأثیرگذار سده کنونی ایران بوده است. او به همراه همسرش محسن خمارلو به مدت ۲۵ سال مدرسه فرهاد را از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۹ اداره کرد. این مجتمع یکی از آموزشگاه های تجربی و الگوواره ایران بود که هدف ها و کارکردهای آموزش و پرورش

■ پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۹
 ■ سال بیست و ششم
 ■ شماره ۷۴۹۵

کتابفروشی محله مان را فراموش نکنیم



محمدعلی جعفریبه کتابفروشی ثالث و انتشارات او

روز کتابگردی اقدامی است که امروز، ۲۹ آبان ماه هفتمین سال برگزاری اش را پشت سرمی گذاریم؛ فراخوانی که با هدف جلب توجه مردم به کتابفروشی ها به ابتکار آقای مسجدجامعی بنانهاد شد و خوشبختانه استقبال مردم و اهالی فرهنگ و هنر هم از آن خوب بوده و هست. آنچنان که آن نهای کوچک امروز به درختی تنومند تبدیل شده است؛ اگر نگاهی به یکی- دو سال ابتدای برگزاری این روزفرهنگی داشته باشید به طور حتم متوجه تفاوت چگونگی برپایی اش در دوره های بعد خواهید شد. این تغییر نه تنها متوجه میزان استقبال کتابفروشان و ناشران است بلکه حتی مردم هم به بنظر می رسد که بیش از پیش درباره اش می دانند و حداقل در یکی- دو دوره قبل آن شرکت کرده اند. از همین رو کتابگردی چند سالی می شود که به روزی بر جنب جوش میان همه اقشار مردم و همه مدیران تبدیل شده است. جالب است که حتی مسئولان حوزه های غیر از فرهنگ هم طی سال های گذشته تلاش کردند تا بابت حضور در این روز از یکدیگر پیشی بگیرند. مسأله ای که میان چهره های فرهنگی و حتی سلبریتی های دیگر حوزه ها هم شکلی جدی به خود گرفته است. متأسفانه به دلیل شیوع گسترده بیماری کرونا امسال دستمان در اجرای بسیاری از برنامه های سال های گذشته و از سویی ابتکاراتی که امکان بهره مندی از آنها در جذب هرچه بیشتر مخاطبان ممکن بود بسته است. هر چند که امسال هم طی جلسات شورای سیاستگذاری برگزاری روز کتابگردی تلاش کردیم تا حد ممکن از اقدامات لازم غافل نشویم. از همین رو تصمیم گرفتیم از مردم درخواست کنیم بر خلاف سال های قبل که شعارمان آن هشتک مشهور «#من هم می آیم» بود امسال از آنان بخواهیم در خانه های خود بمانند و از طریق امکاناتی که برای خرید غیر حضوری فراهم شده از کتابفروشان حمایت کنند. البته باز بحث کتابفروشی های محلی به سبب رفت و آمد کمتر به مراتب بهتر است و مردم می توانند در صورت رعایت پروتکل های بهداشتی تا جایی که سلامت شان به خطر نیفتد به آنها مراجعه کنند. اما نکته مهم دیگری که نباید فراموش کرد این است که برای خرید غیر حضوری کتاب حتماً به سراغ سیستم هایی که خود کتابفروشان در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی برای فروش کتاب راه اندازی کرده اند بروند. این مسأله اهمیت بسیاری دارد؛ مردم می توانند با حذف مراجعه به سایت های غیرمعتبر فروش کتاب و خرید حضوری یا غیرحضوری از طریق خود کتابفروشی های محلی به حفظ حیات آنها کمک کنند. حتی برخی کتابفروشان که هنوز از امکان فروش اینترنتی برخوردار نشده اند می توانند از طریق تماس تلفنی کتاب های مورد نظر مردم را به دست آنان برسانند؛ این مسأله رویزه برای تهران که در روز کتابگردی امسال از امکان ارسال رایگان کتاب به خانه های مردم برخوردار شده هم اهمیت زیادی دارد. ضرورت حمایت از کتابفروشی ها به حدی است که با همراهی مسئولان وزارت ارشاد، اتحادیه و از سویی مسئولان شهری درصدد هستیم تا بحث تعطیلی کتابفروشی ها از ساعت ۱۸ به بعد و حتی طی این دو هفته تعطیلی را کنسل کنیم. اقدامی که در دیگر کشورهای جهان هم در شرایط کنونی این روزها شاهد هستیم و می بینیم که حتی باوجود اجبار دیگر مشاغل به تعطیلی و محدود کردن فعالیت مشاغل غیر ضروری، برای کتابفروشان استثنا قائل شدند.

نگران جامعه بی کتاب

سال اول دبستان بودم که آقای جوادی معلم شریف من در اهواز اولین کتاب را برایمان در کلاس خواند. کتاب «اراینسون کروژونه» نوشته دانیل دفو که هیچ وقت این داستان از ذهنم پاک نمی شود. بعدها که بزرگ تر شدم خودم این کتاب را خواندم و همین کتاب انگیزه ای شد که سراغ کتابخوانی بروم. آنقدر به کتاب و کتابخوانی علاقه داشتم که به خاطر دارم در دوران دبستان حوزه مطالعاتی داشتیم و گروهی در مدرسه دور هم جمع شده بودیم و کتاب به هم قرض می دادیم. کمتر کسی باور می کند که من در ششم دبستان کتاب هایی از فریود و هگل خوانده ام. در کنار قصه هایی که از نویسندگانی مانند صمد بهرنگی می خواندیم. کتاب بخش مهمی از زندگی من بود اما اکنون که به بچه های امروز نگاه می کنم این علاقه را نمی بینم و فکری می کنم به دو دلیل این اتفاق افتاده است؛ اول اینکه علاقه مندی به خواندن کتاب در جامعه کمتر شده و از طرفی تکنولوژی و دنیای مجازی من با کتاب در جامعه ما سادۀ انگارانه برخورد می شود و مردم حاضرند چندین ساعت را در اینستاگرام و تلگرام و شبکه های اجتماعی بگذرانند و مطالب سطح پایین بخوانند اما سراغ کتاب نروند. در حالی که کتاب انسان را به تفکر وامی دارد و باعث می شود به خودش و به هستی نگاه کند و با داستان های تلخ و شیرینش همراه شود. اما آنچه که من می بینم این است که به شکل بدی پیش می روم و دیده می شود مجازی فرصت ها را از بچه های ما می گیرد. البته نمی توانم بگویم بچه های این زمانه علاقه ای به خواندن کتاب ندارند اما این علاقه نسبت به زمان ما بسیار کمتر شده و این برای آینده ایران خوب نیست و کسانی مانند من را نگران می کند.

■ ۱۳۱۷.ه.شمسی

ورود اولین دستگاه چاپ افست به کشور

و تجهیز شدن چاپخانه مجلس به این نوع چاپ

■ ۱۲۵۹.ق.

چاپ اولین کتاب مصور در ایران با تکنیک گزیر (ساز / و بیل) و «مجنون» سروده مکتبی شیرازی

■ ۱۲۴۹.ق.

چاپ اولین کتاب چاپ سنگی در ایران / «قرآن مجید»

